



گفت‌وگو با مهدی فیروزان درباره چرایی تأسیس «به‌خوان»، شبکه اجتماعی ویژه کتاب

استارت‌آپ‌ها کتابخوانی را دگرگون می‌کنند

هم اکنون یک ونیم میلیون کتاب فارسی روی به‌خوان قابل جست‌وجو است

به‌خوان

شرق: «به‌خوان» یکی از ضرورت‌های شرایط زندگی فعلی است. این تعریفی است که مهدی فیروزان از فعالیت این سایت کتاب‌خوانی ارئه می‌دهد. طبق گفته فیروزان «به‌خوان» با هدف گسترش فرهنگ کتاب‌خوانی در بخش خصوصی راه‌اندازی شده که از هیچ منبع مالی استفاده نکرده است؛ حتی از تسهیلات معاونت علمی. «به‌خوان» متمرکز بر حوزه اندیشه است و فعالیت آن برگفت‌وگوی آزاد و تولید اندیشه بنا شده است. فیروزان استقلال این سایت کتاب‌خوانی را نقطه قوت آن می‌داند و تأکید می‌کند که تا به امروز از هیچ بخش خصوصی و دولتی کمک گرفته نشده، حتی کمک‌هایی که حق استارت‌آپ‌ها است. این استقلال و آزادی که فیروزان از آن یاد می‌کند، شرط بقای این سایت کتاب‌خوانی است تا به اهدافش نزدیک‌تر شود. «به‌خوان» تا به امروز ثابت کرده که شریک تجاری ناشران و کتاب‌خوان‌هاست؛ چراکه عملاً امکاناتی را فراهم می‌کند که درباره کتاب گفت‌وگو و نظرها بیشتر شود و مردم بیشتر به خواندن کتاب علاقه‌مند شوند. «به‌خوان» آینه تمام‌نمای شفاف همه گرایش‌ها و رویکردهای سیاسی، فکری، فلسفی، اقتصادی و مذهبی است که کتاب‌های‌شان در آن منتشر می‌شود و شرط اساسی و ماهیتی آن عدم دخالت در نوشته‌های مردم است و هر چقدر امکان استقلال این سایت بیشتر فراهم شود، جریان اندیشه و گفت‌وگو تقویت و فرهنگ عمومی بارورتر می‌شود. در ادامه گفت‌وگوی ما با مهدی فیروزان در درباره چرایی راه‌اندازی این سایت می‌خوانید.

به‌خوان

سوسپیداها و… رو به ضعف رفته بود، حضور گجت‌ها، ماباوره‌ها و… رقیبی برای کتاب محسوب می‌شد و اوضاع اقتصادی جهان و به تبع آن کشورمان و اشتباهات تصمیم‌سازان ایران دست به دست هم داد که احساس کنیم بازار کتاب رو به ضعف است. در این شرایط چگونه می‌شد بازار کتاب را رونق داد؟ از طریق گفت‌وگو میان مردم علاقه‌مند به کتاب. گفت‌وگویی که حضوری نیست، زمانی است که شما فکر می‌کنید و حرف می‌زنید. یک الگوی خارجی به نام گودریدز وجود داشت که این کار را قبلاً انجام داده بود. جای گودریدز در ایران خالی بود. چند گروه قبل از ما شروع کرده و متوقف شده بودند. مطالعات را شروع کردیم و از گودریدز ایده‌هایی گرفتیم و ایده‌های بومی هم اضافه شد و اولین شبکه اجتماعی بخش خصوصی را تأسیس کردیم. شبکه‌های اجتماعی در ایران با بحث‌های صیانت و… روبه‌رو هستند و عملاً هرچه شبکه اجتماعی درست شده دولتی است و استقبال و اقبال مردم به این شبکه‌های اجتماعی دولتی کم بوده. «به‌خوان» اولین شبکه اجتماعی بخش خصوصی است. منتها در این مرحله به کتاب، اندیشه و فکر اختصاص پیدا کرده. یک‌ونیم میلیون کتاب فارسی در آن بارگذاری شد و هر شخص در «به‌خوان» می‌تواند به‌عنوان کاربر یک صفحه داشته باشد، همین‌طور هر کتاب، ناشر، نویسنده، مؤلف و صاحب اثر یک صفحه دارد و مردم می‌توانند روی «به‌خوان» درباره کتاب، ناشر و نویسنده نظرشان را بگویند و گفت‌وگو شکل بگیرد. «به‌خوان» به این دلایل شکل گرفت. می‌گویند استارت‌آپ‌ها با باید نیازی از جامعه را برطرف کنند یا ارزشی را بازنشانی یا به جامعه بیفزایند. «به‌خوان» این‌کار را انجام داد. وقتی صفحه «به‌خوان» را باز می‌کنید، زمینه‌هایش تعیین شده است، کتاب‌هایی که تازه منتشر شده و کسانی که سهمیه دارند، می‌توانند بنویسند، نقد کنند یا از کتابی

دو مورد خیلی برابیم جدی است، هوش مصنوعی و محتوا. الان دنبال سازوکاری هستیم که بتوانیم نرم‌افزار نوشته‌ش را به صوت و البته صوت دلخواه مخاطب بنویسیم. مثلاً در فهرست شما ۴۰ نوع صوت وجود دارد. در نظر داریم این امکان را به شما بدهیم که مثلاً با صدای مادربزرگ‌تان بتوانید نرم‌افزاری بنویسید تا با این صدا کتابی را بشنوید.

معتقدم یکی از مشکلات اساسی ایران فقدان گفت‌وگو است و برای اینکه بتوانیم این فقدان را به اندازه خودمان حل کنیم، باید سازوکارهای گفت‌وگو را ایجاد کنیم. اینکه ما مدام از گفت‌وگو بگوییم ولی سازوکارش را نداشته باشیم، به نتیجه نمی‌رسیم. شبکه اجتماعی «به‌خوان» این سازوکار را درباره کتاب، تولید اندیشه و فکر ایجاد کرده است. هم اکنون یک ونیم میلیون کتاب فارسی روی به‌خوان قابل جستجو است.

به هر حال در سال‌های اخیر «گودریدز» جایگاه مهم و تأثیرگذاری برای علاقه‌مندان به کتاب ایجاد کرده که کاربران فارسی‌زبان بسیاری هم دارد. «به‌خوان» را به نوعی می‌توان نوع فارسی آن در نظر گرفت؟

مشکل گودریدز این است که به زبان انگلیسی است. به دلیل تحریم باید با VPN وصل شوید که مشکلات قطع و وصلی دارد. همه کتاب‌های فارسی را ندارد و بیشتر تمرکزش بر زبان انگلیسی است و افزودن نظر از IP ایران روی گودریدز به دلیل تحریم خیلی وقت‌ها با مشکل مواجه می‌شود. الان عده زیادی از نویسندگان فارسی‌زبان گودریدز به «به‌خوان» آمده‌اند. تقریباً ۶۰٫۷ درصد نویسندگان گودریدز هم در گودریدز و هم «به‌خوان» کار می‌کنند.

همان‌طورکه اشاره کردید گستردگی مخاطب ایرانی در این میان کمک‌کننده است، اما شاید من خواننده بخوام نظرم را دربارۀ هر کتاب بگویم. قاعداً ما هم مشکلات خودمان را در بحث نشر و حتی انتشار کامنت داریم. برای این مسئله فکری شده است؟

چندی پیش نامه‌ای برای خانم کریستینا نوشتم و گفتم چه کاری انجام می‌دهیم و خواستم تجربیاتش را برای من بگوید. در این دوران مجبور شدیم مشابه بسیاری از استارت‌آپ‌های جهانی را در ایران ایجاد کنیم. فارغ از اینکه خدمات خوبی می‌دهد یا نه، یک تجربه توسعه است. تصمیم گرفتیم در داخل ایران آن مسیر توسعه را که بخشی از آن استفاده از موجودی جهانی است و بخشی تمرین و ممارست برای تولیدات است، انجام بدهیم. یکی از محسنان «به‌خوان» این است که جوانان علاقه‌مند به حوزه کتاب را که در حوزه نرم‌افزار و اکوسیستم استارت‌آپی تسلط دارند، دور هم جمع می‌کنند. فرض کنید اگر راه باز بود و تحریمی نبود و گودریدز در ایران یک شعبه باز می‌کرد، یک اتفاق بود، اما باز نیاز به یک ایستگاه در ایران داشت که در داخل ایران مدیریتش کند. باین‌حال، هر وقت تحریم آزاد شود، گودریدز برای اینکه وارد ایران شود «به‌خوان» را دارد و می‌تواند از آن استفاده کند. با محتوایی که برای همین مردم است. الان «به‌خوان» محتوای افغان‌ها و تاجیک‌ها را هم در مورد کتاب‌هایشان دارد و وقتی تحریم تمام شود یا موانع برداشته شود، یک کام جلو هستیم. در این شرایط لازم نیست گودریدز از ابتدا در ایران شعبه‌ای تأسیس کند، یک همتا در اینجا دارد که با آن می‌تواند کار کند. ایین یعنی من گمان می‌کنم هر کاری که دنیا در جهت توسعه فردی و اجتماعی‌اش انجام داده، ما هم می‌توانیم انجام دهیم و به اصطلاح امروز، بومی‌سازی‌اش کنیم.

خاصیت گودریدسز این بود که وبلاگ دوران مدرن و کتاب‌خوانی محسوب می‌شد. کسانی که کتاب می‌خوانند آنجا نظراتشان را می‌گویند. به این فکر کردید که می‌شود این مجموعه را گسترده کرد.

ما هم در عمل به این رسیدیم و شروع کردیم. خیلی از جوانان یک صفحه اینستاگرام یا وبلاگ دارند که کتاب معرفی می‌کنند. با تمام آنها وارد گفت‌وگو شدیم. یکی از محسنان شبکه‌هایی مثل «به‌خوان» و گودریدز این است که دانش بشری را یک جا ذخیره می‌کند. مثلاً شما ۳۰ سال قبل در روزنامه‌ای یک نقد کتاب نوشته‌اید، یک تالیف از کتاب ۱۰ سال قبل در مجله‌ای در اهواز نوشته‌اید، دیگران درباره آن کتاب در جاهای گوناگون نوشته‌اند. چیزی مثل «به‌خوان» این دانش ۴۰٫۳۰ ساله گذشته و آینده را می‌تواند یکجا ذخیره کند. فقط به موتورهای جست‌وجو اکتفا نکنید. خیلی از کتاب‌های ما در موتورهای جست‌وجو نیست. حالا حساب کنید اگر «به‌خوان» را ۲۰ سال قبل راه‌اندازی می‌کردیم، امروز چه سرمایه ارزشمندی از یک جوان ۱۶ تا ۳۶ ساله که در این حوزه‌ها نوشته بود، در اختیار داشتیم. به نظرم از این دیدگاه هم باید به شبکه‌هایی مثل «به‌خوان» و گودریدز اندیشید. واقعاً در دورانی که وقت کم است، تسهیل در دسترسی

و رسیدن به منابع موردنیاز بسیار مهم است.

- طبق آخرین گزارش‌ها در دنیا شیب رفتن به سمت کتاب صوتی خیلی بیشتر شده است. به این موضوع چقدر فکر کرده‌اید؟**

دو مورد خیلی برابیم جدی است، هوش مصنوعی و محتوا. الان دنبال سازوکاری هستیم که بتوانیم نرم‌افزار نوشته را به صوت و البته صوت دلخواه مخاطب بنویسیم. مثلاً در فهرست شما ۴۰ نوع صوت وجود دارد. در نظر داریم این امکان را به شما بدهیم که مثلاً با صدای مادربزرگ‌تان بتوانید نرم‌افزاری بنویسید تا با این صدا کتابی را بشنوید.

هوش مصنوعی در این زمینه در قسمت‌های دیگر هم وارد شده و آن قدر در روند تقویت نوستالژیک آدم‌ها مؤثر بوده که مثلاً چهره پدر و مادرها را بازسازی کرده و… به نظرم مونتاژ در همه زمینه‌ها در زمینه تولید زیربناست. کپی‌کردن اگر تکرار صرف یک محصول نباشد، می‌تواند زیربنای خوبی باشد. شما از بخش تمدنی صحبت کردید. در رویکرد فرهنگ‌سازی و تمدنی هم قصد دارید زبان‌محور باشید؟

در به‌خوان توانستیم بخشی از کتاب‌هایی را که به زبان فارسی در افغانستان چاپ شده داشته باشیم.

در زمینه گویش‌ها چطور؟
آن نرم‌افزار هم به مرحله تست رسیده است.

- مقصودم این است که مثلاً در رشت شیون فومنی را داریم که شاعر بزرگی است. او یک ثروت است که شاید کمتر کسی او را بشناسد و یک ارتباط فرهنگی و تمدنی است. این یک مثال است که بگویم در حوزه تمدنی، زبان‌ها و گویش‌ها می‌توان به کارهای بزرگی فکر کرد.**

در «به‌خوان» می‌شود به زبان فارسی لهجه را نوشت. در «به‌خوان» این امکان هست که زبان ترکی یا عربی با گویش‌های کیلیکی و کرمانی و… را به فارسی بنویسید. اما در مورد صوت فکر می‌کنم در برنامه شنوتو می‌توان به این موضوع فکر کرد که در طراحی پادکست بخشی را به گویش‌های ایرانی اختصاص داد.

بنای توسعه حرکت است و از زبان و ارتباط تمدنی صحبت می‌کنیم. چه تدبیری برای پرداختن به گویش‌ها در نظر گرفتید؟

در «به‌خوان» این زیرساخت وجود دارد، چون هرچه با زبان فارسی سروکار دارد و امکان نوشتنش به زبان فارسی موجود است، در این سایت هست. به این فکر کردیم که یک گزینه در «به‌خوان» برای گویش‌ها ایجاد کنیم که وقتی شخصی روی صفحه «به‌خوان» می‌آید، بداند اگر آیکون گویش‌ها را انتخاب کند، می‌تواند زبان آن گویش را که به فارسی نوشته شده ببیند. «به‌خوان» امکان نوشتن به زبان انگلیسی و لاتین و عربی و فارسی را دارد و گویش‌ها با آن علائم آوانگاری‌شان روی فارسی تعریف شده است. اما از حرف شما استفاده می‌کنم که نیاز به حرکت‌های تازه‌ای احساس می‌شود. فکر کنیم در شنوتو پادکست‌های محلی تولید کنیم و درباره گویش‌ها در پادکست‌ها حرف بزنیم. به مثال خود شما مراجعه می‌کنم که فردی مثل شیون فومنی زبان و گویش خاص خودش را مثلاً در ۱۰ پادکست آموزش بدهد. متأسفانه بسیاری از گویش‌ها از بین رفته است. درحالی‌که اگر این تکنولوژی ۱۰۰ سال پیش وجود داشت، می‌شد جلوی ازبین‌رفتن گویش‌ها را گرفت. الان باید از کسانی که گویش‌ها را خوب می‌شناسند، دعوت کنیم که هرچقدر لازم است درباره آن گویش پادکست تولید کنند تا از بین نرود. اگر این امکان ایجاد شود، گمان می‌کنم مردمی که به آن گویش صحبت می‌کنند، علاقه‌مند به تولید بیشتر محتوا باشند تا بسیاری از کتاب‌ها را به گویش محلی خودشان تبدیل کنند و ما از این طرح حمایت می‌کنیم. معتقدم سازوکارش موجود است؛ چراکه در شنوتو صوت موجود است و در «به‌خوان» هم کلمه وجود دارد و هیچ محدودیتی در این زمینه نیست.

مشکل گودریدز این است که بخشی را برای کتاب‌های صوتی در نظر نگرفته است. به‌خوان می‌تواند همان به‌شون‌باشد که اگر کسی شنید، نظرش را بدهد.

الان روی «به‌خوان» چند اطلاعات در مورد کتاب هست: (۱) این کتاب جایزه گرفته (۲؟)صوتی این کتاب در بازار موجود هست یا خیر؟ (۳)الکترونیک کتاب در بازار هست یا خیر؟ (۴)کتاب نایاب است یا خیر؟

- منظورم کامنت‌گذاشتن درمورد صوتی‌هاست.** سازوکارش موجود است شما به‌عنوان کاربر باید استفاده کنید.
- درحال حاضر کست‌باکس این امکان را فراهم می‌کند.** شنوتو هم این کامنت را از شما می‌گیرد.
- از لحاظ ساختاری کست‌باکس جامع و کامل است.** گفت‌وگوهایی با کست‌باکس و دیگران داریم و در نسخه آینده شنوتو، همثانی مثل کست‌باکس را داریم که باهم کار کنیم. نکته‌ای که شما می‌فرمایید دقیقاً علت تأسیس شنوتو و به‌خوان می‌شود. اینکه تجربه‌های موفق‌ی در دنیا هست و کاربر ایرانی که با آن زبان آشنا نیست، ابزار تجربه به او داده می‌شود.

به‌خوان

این علت که بسیاری از غرفه‌هایی که فعال نیست، هزینه‌شان پرداخت شده و نمی‌شد به کسی دیگر واگذار کرد. ناشران مهمی در بخش طبقه دوم حضور دارند و بخش پایین شبستان فقط برای ناشران در نظر گرفته شده بود. حتی فعالیت‌های فرهنگی در ابتدا مدنظر بود که در آنجا اتفاق بیفتد که بعد از اتمام ثبت‌نام مجدداً به بخش بالا برگردانده شده‌اند. کتاب‌های ناشران افغانستان کتب وارد کشور شد و به همین علت هنوز غرفه‌شان فعال نشده است؛ هر وقت کتاب‌های آنها برسد، وارد غرفه و فعال می‌شود.»



همچنین عاکیف معارفلی، رئیس نمایشگاه کتاب باکو، هم‌زمان با دومین روز برگزاری نمایشگاه کتاب عصر روز پنجشنبه ۲۲ اردیبهشت با قائم‌مقام سی‌وسومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران دیدار و گفت‌وگو کرد. در این دیدار طرفین بر ضرورت گسترش روابط فرهنگی دو کشور و توسعه همکاری‌ها در حوزه کتاب و نشر بر چند نکته مهم تأکید کردند. نکته اول حضور هر دو کشور در نمایشگاه‌های بین‌المللی و فرهنگی به‌ویژه نمایشگاه کتاب باکو و تهران بود.

علی رمضانئی گفت: «در سال‌های گذشته جمهوری اسلامی ایران در ادوار گذشته در نمایشگاه باکو شرکت کرده است، این زمینه نیز برای کشور آذربایجان مهیا شد تا در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران حضور یابد. امسال شاهد حضور یک هیئت پنج‌نفره از باکو در نمایشگاه کتاب تهران بودیم که بالاترین مقام آن عاکیف معارفلی، رئیس نمایشگاه کتاب باکو بود.»

قائم‌مقام رئیس نمایشگاه کتاب بر تفاهم‌نامه غرفه رایگان تأکید و اظهار کرد: «بر اساس این تفاهم‌نامه، مقرر شد در نمایشگاه‌های کتاب تهران و باکو غرفه رایگان در اختیار هر دو کشور قرار گیرد، همچنین بر حمایت از پنج ناشر آذربایجانی و ایرانی در نمایشگاه‌های کتاب دو کشور تأکید شد.»

رمضانئی در ادامه بر بحث ترجمه آثار دو کشور و طرح‌های حمایتی نیز تأکید و تصریح کرد: «امیدوار هستیم سه طرح ترجمه کتاب به زبان متقابل دو کشور، تبادل نویسندگان و تبادل غرفه رایگان و طرح حمایتی گرنت در قالب سه تفاهم‌نامه مهم بین دو کشور به امضا برسد.»